

تلاش برِخی نمایندگان مجلس برای استیضاح وزرا را بررسی شد

طرحی برای محاصره داخلی؟!

اقتضانات امنیت ملی در شرایط جنگی، نه تعطیلی قانون است و نه تعطیلی نظارت. بلکه دعوت به اولویت‌بندی ابزارها و زمان‌ها است. مجلس می‌تواند و باید از دولت مطالبه کند، گزارش بخواهد، سؤال کند و حتی در صورت ضرورت استیضاح کند؛ اما میان «حق قانونی» و «مصلحت راهبردی» فاصله‌ای وجود دارد که در روزهای بحران نباید نادیده گرفته شود.
خبرهایی که از مجلس و اظهارات و تلاش‌های برخی نمایندگان برای استیضاح تعدادی از وزرای کابینه و حتی بحث عدم کفایت سیاسی رئیس‌جمهور به گوش می‌رسد، اسباب شگفتی و حتی نگرانی است. رسانه‌ها خبر داده‌اند که روز سه‌شنبه، شنبه، وزیر کار، رفاه و تأمین اجتماعی به همراه برخی معاونان خود در کمیسیون اجتماعی مجلس حاضر شده و به سئوالات برخی از طراحان استیضاح پاسخ گفته است. در باب این فرایند، ملاحظاتانی قابل طرح است.
در سیاست، گاهی خود زمان از خود موضوع مهم‌تر است. یک اقدام ممکن است در شرایط عادی، بخشی طبیعی از سازوکار حکمرانی باشد، اما همان اقدام در شرایط جنگی، معنایی کاملاً متفاوت پیدا کند.

شرح در صفحه

مزد ۱۶.۶ میلیونی زیر سایه سبد معیشت

۸۰میلیونی

دستمزد ۱۴.۵

دراستگاه

ترمیم

صفحه

اقتصاد ایران دیگر با نفت هم نمی‌تواند سقوط خود را پنهان کند

سرمایه‌گذاری و

صنعت در

سراشیبی سقوط!

صفحه

حاشیه‌هایی پرشماری که سخنرانی نتانیاهو در سازمان ملل داشت

سخنرانی

برای

صندلی‌های خالی

صفحه

خبر

پاسخ نماینده ایران به امریکا و رژیم صهیونیستی

مقاومت در DNA ماست

نماینده جمهوری اسلامی ایران در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در واکنش به اظهارات رئیس‌جمهور آمریکا و نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، با انتقاد شدید از حضور مقام اسرائیلی در این نهاد، آن را «نتنگی برای سازمان ملل» توصیف کرد

به گزارش ایسنا، ناصر اسدی نماینده جمهوری اسلامی ایران در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در پایان روز پنجشنبه و سخنرانی مقامات ارشد کشورهای حاضر در مجمع عمومی سازمان ملل به ادعاهای نمایندگان کشورها به ویژه آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه کشورمان پاسخ داد. وی با بیان اینکه سازمان ملل برای نجات نسل‌های بعدی از بلای جنگ تأسیس شد، گفت: با این حال، امروز، معمار اصلی همین بلا، نخست‌وزیر رژیم اسرائیل، در این مجمع سخنرانی کرد. این اقدام ننگ بزرگی برای این نهاد بود. این نهایت توهین به همه ارزش‌های والا مانند «عدالت»، «برابری» و «کرامت و ارزش انسان» است که در منشور این سازمان مورد اشاره قرار گرفته‌اند. این اظهارات بزرگ‌ترین توهین به اصول انسانیت و وجدان انسانی و خیات عمیقی به اهداف و اصول این سازمان باشد؟

اسدی گفت: سازمان ملل برای حفظ صلح و عدالت تأسیس شد، نه برای اینکه بستری برای جنایتکاران جنگی باشد. چگونه ممکن است فردی که پرونده‌اش به خاطر ارتکاب جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت و نسل‌کشی در حال حاضر در دو دادگاه بین‌المللی تحت بررسی است، اجازه یابد در این مجمع حضور داشته باشد؟ آیا او باید در اینجا حاضر می‌شد تا جنایتاش را توجیه کند یا در دادگاه تا پاسخگوی نسل‌کشی‌اش باشد؟

وی افزود: این اطلاعات ادعاهای ایران نیستند. اینها یافته‌های قضایی و تحقیقات مستند حقوقی بین‌المللی هستند.
نماینده ایران در سازمان ملل با اشاره به این که در ژانویه ۲۰۲۴، دیوان بین‌المللی دادگستری و در سپتامبر ۲۰۲۵، کمیسیون تحقیق سازمان ملل به این نتیجه رسیدند که رژیم اسرائیل در غزه نسل‌کشی می‌کند گفت: سازمان ملل چگونه می‌تواند بستری برای سخنرانی چنین جنایتکار بدنامی فراهم کند؟ این مجمع چه پيامی به مردم فلسطین می‌فرستد وقتی رهبران‌شان به دلیل کارشکنی آمریکا از سخنرانی در اینجا منع می‌شوند، اما تریبون در اختیار جنایتکاری قرار می‌گیرد که مسئول کشتار ۷۸هزار فلسطینی است؟ اگر این مجمع رژیم آپارتاید آفریقایی جنوبی در دهه ۱۹۷۰ را از سخنرانی در اینجا منع کرد، چرا امروز باید این امتیاز را به این جنایتکار بدهد؟

رئیس‌جمهوری اسلامی ایران و نخست‌وزیر پاکستان در دیداری در حاشیه هشتاد و یکمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ضمن تأکید بر استحکام و عمق روابط تهران و اسلام‌آباد، آخرین روند اجرای توافقات و تفاهم‌های دوجانبه و تحولات منطقه‌ای را بررسی و بر تداوم ریزنی‌های دیپلماتیک برای تقویت همکاری‌ها، کاهش تنش‌ها و تحکیم صلح و ثبات منطقه‌ای تأکید کردند.

به گزارش ایسنا، دکتر مسعود پزشکیان رئیس‌جمهوری اسلامی ایران و آقای شهباز شریف نخست‌وزیر جمهوری اسلامی پاکستان در حاشیه هشتاد و یکمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد با یکدیگر دیدار و درباره آخرین تحولات روابط دوجانبه، روند اجرای توافقات پیشین و مهم‌ترین تحولات منطقه‌ای گفت‌وگو کردند. در این دیدار طرفین ضمن مرور روند مناسبات تهران و اسلام‌آباد و بررسی اسناد همکاری و تفاهم‌های

دیدار پزشکیان و شهباز شریف در نیویورک

صورت‌گرفته در سفرهای متقابل مقامات دو کشور، بر ضرورت تداوم پیگیری و اجرای مؤثر این توافقات تأکید کردند. رئیس‌جمهوری اسلامی ایران با اشاره به پیشینه عمیق و پیوندهای تاریخی، فرهنگی و اعتقادی میان دو ملت، روابط ایران و پاکستان را روابطی پایدار و مبتنی بر اشتراکات گسترده دانست و بر عزم جدی جمهوری اسلامی ایران برای تعمیق و گسترش همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه تأکید کرد.

آسیب‌شناسی عملکرد نهاد وکالت؛ ضرورت گذار از رویکرد واکنشی به کنشگری نهادی

سرمایه اجتماعی کانون‌ها منجر شود.

۳. *ضرورت مدیریت اختلافات در چارچوب نهادی*

وجود اختلاف نظر میان کانون‌ها و مدیران، امری طبیعی و حتی در یک ساختار صنفی پویا، اجتناب‌ناپذیر است.
اتحاد صنفی نیز به معنای یکسان‌سازی دیدگاه‌ها یا حذف تکرر فکری نیست. آنچه برای حفظ انسجام نهادی اهمیت دارد، وجود سازوکارهای مناسب برای مدیریت اختلافات و تبدیل آن‌ها به فرآیندی سازنده برای تصمیم‌سازی است.
از این منظر، شایسته‌ست در مسائل اختلافی، گفت‌وگوی کارشناسی، تبادل مستدل دیدگاه‌ها، اقناع متقابل و رجوع به سازوکارهای قانونی و اساسنامه‌ای، جایگزین تقابل و تشدید اختلافات شود. تمرکز مستمر بر اختلافات، به‌ویژه هنگامی که اختلافات نهادی با روابط و مناسبات شخصی درهم‌آمیخته شود، می‌تواند موجب فرسایش سرمایه اجتماعی، کاهش اعتماد متقابل و تضعیف کارآمدی ساختارهای صنفی شود.

بنابراین، حفظ اختلاف نظر در سطح موضوع و استدلال و جلوگیری از تبدیل آن به اختلاف شخصی، از الزامات مهم مدیریت حرفه‌ای یک نهاد صنفی است.

۴. *ضرورت صیانت از سرمایه انسانی و جلوگیری از حاشیه‌نشینی نیروهای متخصص*
یکی دیگر از موضوعات قابل توجه، نحوه بهره‌گیری از ظرفیت مدیران، وکلا و صاحب‌نظرانی است که از دانش، تجربه و توان کارشناسی برخوردارند. بدیهی است در هر ساختار مدیریتی، اختلاف دیدگاه، رقابت انتخاباتی و تفاوت در رویکردهای مدیریتی وجود خواهد داشت. آنچه اهمیت دارد، آن است که این تفاوت‌ها نباید به حذف یا به حاشیه رفتن ظرفیت‌های انسانی منجر شود. کانون‌های وکلا و اتحادیه بیش از آنکه به افراد وابسته باشند، به سرمایه انسانی گسترده‌ای متکی هستند که در طول سالیان شکل گرفته است. بنابراین، معیار بهره‌گیری از اشخاص باید-حالتی‌الامکان بر مبنای تخصص، تجربه، توانایی کارشناسی، تعهد صنفی و مصالح نهادی باشد. جانبداری‌های شخصی یا گروهی، چنانچه موجب نادیده گرفتن ظرفیت‌های واقعی موجود در میان اعضا شود، در نهایت بیش از آنکه به اشخاص آسیب برساند، به سرمایه نهادی کانون‌ها لطمه خواهد زد. همایش اخیر نیز نشان داد که در میان مدیران و اعضای کانون‌های سراسر کشور، ظرفیت قابل توجهی از نیروهای متخصص، دلسوز و صاحب‌نظر وجود دارد که می‌توان از دانش و تجربه آنان در فرآیندهای تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری بیش از پیش بهره گرفت.

جمع‌بندی

به نظر می‌رسد آینده نهاد وکالت، صرفاً در گرو نحوه مواجهه با تهدیدها و چالش‌های بیرونی نیست؛ بلکه به همان اندازه، به کیفیت حکمرانی درونی، میزان مشارکت اعضا، کارآمدی ساختارهای تصمیم‌گیری، بهره‌گیری از سرمایه انسانی و توانایی ایجاد دستورکارهای جدید وابسته است.
تعالل با قوای حاکمیتی، دفاع از آنکه به استقلال کانون‌ها و پیگیری حقوق و منافع حرفه‌ای وکلا، همچنان از مهم‌ترین وظایف مدیران کانون‌ها و اتحادیه است؛ اما این اقدامات زمانی می‌تواند اثربخشی پایدار داشته باشد که هم‌زمان با آن، ظرفیت‌های درونی نهاد وکالت نیز تقویت شود.
از این منظر، شاید لازم باشد در کنار دفاع از نهاد وکالت، به‌طور جدی‌تر به ساختن آینده نهاد وکالت نیز بیندیشیم. تقویت کمیسیون‌های تخصصی، فعال‌سازی ظرفیت‌های کارشناسی، افزایش مشارکت اعضا، بهره‌گیری از ظرفیت کانون‌های استانی، ایجاد سازوکارهای مؤثر برای مدیریت اختلافات و طراحی دستورکارهای بلندمدت برای حرفه وکالت، می‌تواند بخشی از این مسیر باشد.
نهاد وکالت برای عبور از چالش‌های پیش‌رو، علاوه بر دفاع مؤثر از استقلال و جایگاه قانونی خود، نیازمند حکمرانی درون‌نهادی کارآمد، مشارکت گسترده اعضا و نگاه آینده‌نگر است.
شاید اکنون زمان آن رسیده باشد که در کنار واکنش به مسائل موجود، خود نیز در مقام طراحی مسائل، ارائه راه‌حل و ساختن دستورکار آینده نهاد وکالت قرار گیریم.

* عضو هیات مدیره کانون وکلای دادگستری اردبیل

مسعود پزشکیان:

تا آخرین لحظه مقاومت می‌کنیم

صفحه



محمدعلی وکیلی

سرمقاله



همه گرفتار بدبیهات هستیم !!

سال‌هاست درباره مشکلات ایران سخن می‌گوییم و هر بار یکی از عوامل را در جایگاه علت اصلی می‌نشانیم: تحریم، کمبود منابع، ناترازی، انزوای اقتصادی، کمبود سرمایه یا کاهش ارزش پول ملی. همه اینها واقعیت دارند و نمی‌توان اثر آنها را انکار کرد؛ اما یک پرسش بنیادی همچنان باقی است: اگر فردا تحریم‌ها رفع شود، روابط اقتصادی ایران با جهان عادی شود، دارایی‌های کشور آزاد شود، سرمایه خارجی وارد شود و پول ملی بخشی از ارزش از دست‌رفته خود را بازیابد، آیا مشکلات ایران تمام خواهد شد؟

به گمان من، پاسخ منفی است؛ اگر در شیوه اداره کشور تغییری ایجاد نشود.

مشکل ایران فقط «نداشتن» نیست؛ مشکل مهم‌تر، «نتوانستن» است. منابع داریم، اما نمی‌توانیم آنها را به فرصت تبدیل کنیم، سرمایه داریم، اما نمی‌توانیم آن را به تولید تبدیل کنیم. قانون داریم، اما اجرای قانون گرفتار تفسیرهای اداری می‌شود. ایده داریم، اما در مرحله اجرا متوقف می‌مانیم. پول داریم، اما گاهی آن‌قدر موانع بر سر گردش آن می‌گذاریم که نقدینگی به جای آنکه موتور اقتصاد باشد، به عددی در گزارش‌های اقتصادی تبدیل می‌شود.

دیوان‌سالاری؛ تحریمی است که خودمان ساخته‌ایم

تحریم خارجی و تحریم هوایی و دریایی هزینه دارد و باید برای رفع آن تلاش کرد؛ اما در کنار تحریم خارجی، نوع دیگری از محدودیت نیز وجود دارد که منشأ آن درون خود ماست: دیوان‌سالاری ناکارآمد.

وقتی یک سرمایه‌گذار برای آغاز فعالیت باید از چند دستگاه مجوز بگیرد، وقتی پاسخ یک دستگاه هفته‌ها و ماه‌ها طول می‌کشد، وقتی یک مأمور می‌تواند با یک پیکان نزدن همان امضا تصمیم اقتصادی یک بنگاه را متوقف کند، دیگر نمی‌توان همه مشکلات را به تحریم نسبت داد.

درگاه ملی مجوزها قرار بود بخشی از این وضعیت را تغییر دهد. اما اگر فرایندهای زائد و امضاهای طلایی فقط از پشت میز به داخل سامانه منتقل شوند، اتفاق بزرگی نیفتاده است. دیجیتال کردن دیوان‌سالاری، الزاماً اصلاح دیوان‌سالاری نیست.

مسئله اصلی، مجوزنیست؛ قدرتی است که در فرایند صدور مجوز به مأمور داده می‌شود.

مجوز باید-حق قانونی متقاضی باشد، نه امتیازی که بتوان با تأخیر، سلیقه یا رابطه آن را مدیریت کرد. هرچا مجوز سخت و مبهم شود، رانت متولد می‌شود؛ و هرچا رانت شکل بگیرد، بازار غیررسمی آن نیز پدیدار خواهد شد.

سرمایه‌گذار از ریسک نمی‌ترسد؛ از بی‌قاعدگی می‌ترسد در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی نیز نباید تصور کنیم مسئله فقط به تحریم و انتقال پول مربوط است. قانون رفع موانع سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند چارچوب مناسبی ایجاد کند، اما سرمایه‌گذار علاوه بر قانون، به رفتار دستگاه اجرایی نگاه می‌کند.

او می‌خواهد بداند پولش چگونه وارد کشور می‌شود، مجوز چه زمانی صادر خواهد شد، سودش چگونه منتقل می‌شود، مقررات فردا چه خواهد بود و اگر دستگاهی به تعهد قانونی خود عمل نکند، چه کسی پاسخگوست.

گاهی به وضعیتی رسیده‌ایم که مسئله از تحریم پیچیده‌تر شده است: انتقال پول را تسهیل می‌کنیم، اما ورود پول را دشوار نگه می‌داریم.

همین امروز برغم محدودیت منابع ارزی با روش‌های مرسوم نزد صرافی‌ها از جمله انتقال پول به حساب‌های مختلف امکان نامحدود پول به خارج کشور وجود دارد ولی ورود پول به کشور با موانع سخت روبه‌روست.

این یعنی بخشی از منابع در بیرون مرزها نیست؛ در داخل دستگاه اجرایی است.

سرمایه‌گذار می‌تواند ریسک اقتصادی را محاسبه کند؛ اما نمی‌تواند برای رفتار غیرقابل پیش‌بینی یک دستگاه اداری مدل اقتصادی بسازد.

سرمایه از کشوری که در آن قانون روشن است، اما اجرای آن نامعلوم، به‌سادگی عبور می‌کند.

حتی در حوزه دانش‌بنیان نیز به جای ایجاد فضای رقابتی و بازار، رانت و امتیاز اداری تکیه می‌شود، همان دیوان‌سالاری قدیمی را با ادبیات جدید بازتولید کرده‌ایم. اقتصاد دانش‌بنیان با گواهی ساخته نمی‌شود؛ با امکان رقابت، سرمایه، بازار، امنیت حقوقی و آزادی عمل ساخته می‌شود.

اگر نوآوری برای زنده ماندن مجبور باشد از ده‌ها مدار عبور کند، طبیعی است که بخشی از انرژی نوآور به جای تولید، صرف عبور از دیوان‌سالاری شود.

در اقتصاد نیز لازم است از برخی ساده‌سازی‌ها عبور کنیم. حجم نقدینگی به‌تنهایی نمی‌تواند وضعیت اقتصادی را توضیح دهد. سرعت گردش پول و میزان اطمینان فعال اقتصادی می‌آیند نیز اهمیت دارد. پولی که در فضای امن و قابل پیش‌بینی می‌چرخد، می‌تواند تولید و اشتغال ایجاد کند؛ اما پولی که در اثر نااطمینانی، مقررات متغیر، هزینه‌های مبادله و سیاست‌های مالیاتی نامتناسب از حرکت بازمی‌ایستد، الزاماً به رشد اقتصادی تبدیل نمی‌شود.

مالیات برای اداره کشور ضروری است، اما سیاست مالیاتی باید با هدف بزرگ‌تر شدن اقتصاد طراحی شود. امروز مالیات‌ستانی به گونه‌ای است که فعالیت اقتصادی را کوچک می‌کند، با این روش دولت ممکن است امروز درآمد بیشتری بگیرد اما فردا پایه مالیاتی کوچک‌تری خواهد داشت. یکی از عجیب‌ترین ضعف‌های نظام اداری ما، بی‌هزینه بودن تأخیر است.

اگر یک شهروند در پرداخت مالیات یا انجام تعهد قانونی تأخیر کند، با جریمه مواجه می‌شود؛ اما اگر یک دستگاه یا مأمور اداری در پاسخ به یک درخواست قانونی تأخیر کند، معمولاً چنین هزینه‌ای وجود ندارد.

ادامه در صفحه